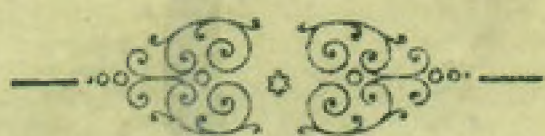


اجازات و اسناد

نہج البلاغة

تأليف

الشيخ عزيز الله العطاردی



الطبعة الاولى

١٤٠١ هـ = ١٩٨١ ع



بنیاد محقق طباطبائی

طبع بالمطبعة العزيزية ، ٥٥٦ - ٦ - ٢٠ شاه علي بنده ، حیدرآباد - الهند

BP

٣٨/٠٨

٢ الف /

٤٦

١٩٨١

محقق طباطبائی



مكتبة المحققين طباطبائي

اجازات و اسناد

نهج البلاغة

تأليف

الشيخ عزيز الله العطاردی



الطبعة الاولى

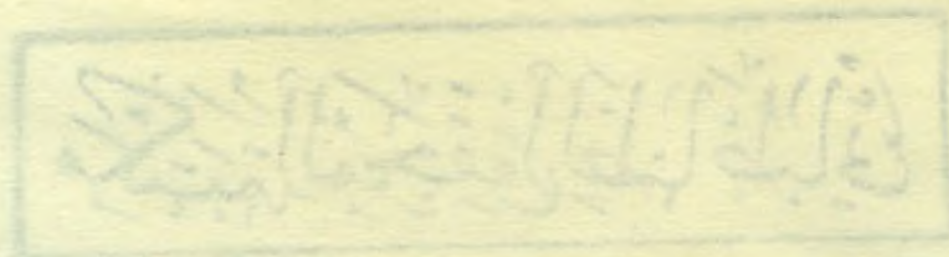
۱۴۰۱ هـ = ۱۹۸۱ ع



بنیاد محقق طباطبائی

طبع بالمطبعة العزيزية ، ۵۵۶ - ۶ - ۲۰ شاه علی بنده ، حیدرآباد - الهند





مكتبة دار الفکر

مکتبہ دار الفکر

مرکز نشر

نہج البلاغہ سوانحی بمناسبت  
ہزارمین سال تالیف نہج البلاغہ  
مدینہ بلذک - حیدرآباد ہندوستان

BP

۳۸۱۰۸۵

۳۰۰ /  
۶۰

ش. ۱۴۳۰۹



دار الفکر

۱۰۳۱۵ = ۱۸۶۱۵

مکتبہ دار الفکر مدینہ بلذک ۰۶ - ۳ - ۳۵۵ دھرم پور قلعہ دار الفکر



بسم الله الرحمن الرحيم

## علوم و معارف علی علیه السلام

یکی از فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام که مخالف و مؤالف و دوست و دشمن بآن اعتراف دارند همانا مراتب علم و فضیلت و معارف الهیه آن جناب است که سرچشمه همه علوم و معارف اسلامی میباشد.

این بحث بسیار وسیع و دامنه دار است و ما اگر بخواهیم در این موضوع تحقیق کنیم خود کتاب بسیار مفصلی میشود، اخبار و احادیث وارده در این باب در کتب حدیث و سیره مشروحا آمده است.

یکی از روایات مشهور در این باب حدیث معروف «أنا مدينةُ العلم و علیُّ بابها» میباشد که محدثان و محققان مسلمان آن را در کتب خود آورده اند و شعرای بزرگ در اشعار عربی و فارسی آن را بنظم آورده اند.

سعید بن مسیب گفت: کسی جز علی نفرمود: از من پرسید، عبید الملك بن سلیمان گوید: به عطا گفتم: آیا در میان اصحاب محمد صلی الله علیه و آله دانا تر از علی علیه السلام هست؟



گفت : نه به خداوند سوگویند ، من دانا تر از علی در میان اصحاب ندیدم ابن عباس می گفت : نه دهم علم نزد علی است و در قسمت دهم نیز با مردم شریک است <sup>۱</sup> .

ابن صباغ مالکی گوید : علی علیه السلام مرکز سؤالات مردم و مرجع احکام اسلامی بود ، و از همگان بهتر به حرام و حلال آشنائی داشت ، علی به مسائل مشکل پاسخ میداد ، و موقمیت علمی او بر همه مردم روشن بود و اصحاب حضرت رسول از وجود او استفاده می کردند <sup>۲</sup> .

أبو سعید خدری گوید : علی بن ابی طالب در نزد رسول خدا مقام و موقعیتی داشت که هیچ فردی به آن مقام نرسید ، أبو الطفیل گوید : علی علیه السلام می گفت : از کتاب خداوند از من سؤال کنید و من پدیش از همه با قرآن آشنائی دارم .

علی فرمود : رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا بطرف یمن بعنوان قاضی فرستادند ، گفتم : یا رسول الله ! من جوان هستم و تو مرا نزد گروهی ساخلورده می فرستی و من چگونه در در امور دآوری کنم ؟ .

---

(۱) اسد الغابه : ۲۳/۴ (۲) الفصول المهمة : ۳۴ .



رسول اکرم صلی الله علیه و آله دست خود را بر سینه  
من نهاد و فرمود: خداوند بزودی دلت را ثابت می کند و روشن  
می گرداند، و بعد فرمود: هرگاه دو نفر متخاصم نزد تو آمد  
تا سخن دوم را نشنید، ای در باره اول حکم نکن، و بعد فرمود:  
از این به بعد در هیچ مسئله گرفتار مشکل نشدم<sup>۱</sup>.

مسعودی گوید: علی همه فضائل و مناقب اصحاب را  
دارا بود، و آنها عبارتند از سبقت در ایمان، مهاجرت، یاری کردن  
رسول، خویشاوندی، قناعت، علم به کتاب و سنت و جهاد در  
راه خدا، ورع و زهد و فقه<sup>۱</sup>.

حافظ سلیمان قندزی گوید: علی بن ابی طالب فرمود: اگر  
بخواهم توانائی دارم هفتاد شتر از تفسیر سوره فاتحه الکتاب را  
بار کنم، در یکی از خطبه ها فرمود از من بپرسید قبل از اینکه  
مرا از دست بدهید، من براه آسمانها از زمین آشنا ترم.

ابن عباس گوید: در يك شب ماهتاب علی علیه السلام  
دست مرا گرفت و بطرف بقیع برد. و گفت: ای عابد الله  
بخوان من بسم الله الرحمن الرحيم را قرائت کردم، وی از اسرار

(۱) انساب الاشراف: ۱۰۱/۸۹ (۲) مروج: ۲۳۷/۲



بسم الله سخن گفتم تا هنگامیکه صبح شد و هوا روشن گردید ،  
و نیز فرمود : از من از اسرار کائنات پرسید ، و من وارث علوم  
پیامبران میباشم .

ابن عباس گفت : علم رسول خدا صلی الله علیه و آله از  
طرف خدا افزوده میشود و علم علی از رسول خدا گرفته شده ،  
و علم من از علی است ، اما علم من و همه صحابه در برابر علم علی  
علیه السلام مانند قطره در برابر دریا است .

اصبغ بن نباته گوید : از علی علیه السلام شنیدم می فرمود  
رسول خدا صلی الله علیه و آله هزار باب از علوم را به من آموخت  
و از هر باب باب دیگری گشوده شد ، من همه علوم را فرا گرفتم  
و حوادث گذشته و آینده را میدانم .

در حدیث مشهور دیگری آمده که علی علیه السلام فرمود :  
اگر برای من کرسی و تکیه گاهی بود و من در آن قرار می گرفتم ،  
بین اهل توراۃ به توراۃ و اهل انجیل به انجیل قضاوت می کردم  
و اختلافات آنها را فیصله میدادم .

حافظ ابن عساکر از أبو الطفیل روایت می کند که علی  
علیه السلام در یکی از خطبه هایش فرمود : به همین زودی من



از میان شما خواهم رفت ، اینک هر چه میخواهید از من پرسید ،  
و از هر آیه ای که پرسید پاسخ میدهم زیرا می دانم که آیه در  
جکا و چه وقت نازل شده است .

در روایت دیگری آمده که فرمود : ای مردم هر چه  
می خواهید از من سؤال کنید ، زیرا من از میان شما خواهم رفت  
و کسی نیست پاسخ شما را به هد و یا دانا تر از من به کتاب  
خداوند باشد و احکام خداوند را بداند ، و اکنون پرسید تا  
برای شما روشن نمایم<sup>۱</sup>

### علی علیه السلام منبع علوم و فضائل :

ابن ابی الحدید گوید : من در باره مرد یکه همه فضیلت ها  
را به او نسبت می دهند . و هر گروه و دسته ای خود را با او متصل  
می کنند چه بگویم ؟ علی بن ابی طالب سرچشمه همه ، فضائل  
و مبتکر همه علوم میباشد ، هر کسی در هر علمی نبوغ پیدا می کند  
خود را به او نسبت می دهد و از وی پیروی می کند .

بالا ترین علم و شریف ترین دانش ها در میان علوم عالم  
خدا شناسی است زیرا شرف هر علمی بستگی به موضوع آن علم





دارد، و چون خداوند متعال گرامی ترین موجود است، پس علم خدا شناسی از همه علوم گرامی تر خواهد بود علیای علم خدا شناسی از سخنان علی علیه السلام بهره برده اند، و از گفته های او استفاده کرده اند، معتزله که پیروان واصل بن عطاء هستند و عمائد خود را از او گرفته اند خود شاگرد ابو هاشم بوده است. ابو هاشم فرزند محمد بن حنفیه است، و او از پدرش علم خدا شناسی فرا گرفت، و پدرش محمد حنفیه نیز از پدرش علی ابن ابی طالب علیه السلام آموخت.

اشعری ها نیز از شیخ خود ابو الحسن اشعری پیروی می کنند، و او شاگرد ابو علی جبائی است که خود از معتزله است، و این دو فرقه خود را به او می رسانند، امامیه و زیدیه نیز معلوم است که هر چه دارند از علی است.

یکی از علوم علم فقه است، علی علیه السلام پایه گذار این علم است، و هر فقیهی در اسلام خود را شاگرد او میداند، و از فقه او استفاده کرده است، اصحاب ابو حنیفه فقه را از ابو حنیفه فرا گرفتند، و شافعی هم از محمد بن حسن آموخت و محمد بن حسن شاگرد ابو حنیفه است.



احمد بن حنبل هم فقه را نزد ابو حنیفه آموخت، و ابو حنیفه فقه را از جعفر بن محمد علیهما السلام فرا گرفت، و جعفر از پدرش تا به علی علیه السلام می رسد، امام مالک فقه را از ربیعہ الرأی آموخت و ربیعہ از عکرمه و او از ابن عباس و او از علی ابن ابی طالب فرا گرفت.

پس فقهاء چهار کانه هر چه دارند از علی علیه السلام دارند، و اما فقهاء شیعه که معلوم است همه احکام آنها از طریق علی رسیده است.

اما علم تفسیر قرآن اکثرش از ابن عباس است و معلوم است که ابن عباس یکی از شاگردان مکتب علی علیه السلام میباشد، و هر چه داشت از وی فرا گرفته بود.

متصوفه و اصحاب طریقت نیز خود را به علی بن ابی طالب منتسب میدانند و بطوریکه معلوم است، در همه بلاد اسلام صوفیان خود را به او متصل می کنند شبلی، جنید، بایزید معروف کرخی و دیگران در کلیات خود از او الهام می گیرند و خرقة ای را که شعار خود قرار می دهند با و میرسانند.

علوم ادبی و نحو که انتسابش به علی علیه السلام روشن است، همه علماء بر این عقیده متفق هستند که علی علیه السلام



اصول علم نحو و عربیت را به ابو الاسود تعلیم فرمود و آن را روشن ساخت ، و این اصول و روش به معجزه شباهت دارد<sup>۱</sup> .

### خطبه ها و کلمات علی علیه السلام

از امیر المؤمنین خطبه ها و کلمات زیادی در کتب تاریخی و ادبی و اخبار و آثار روایت شده است ، علی علیه السلام این خطبه ها را در منا بر مدینه و بصره و کوفه ایراد کرده اند ، و بعضی از آن ها را در میدان جنگ برای لشکر یا نش ایراد فرموده اند . خطبه های علی علیه السلام در موضوعات مختلف وارد شده پاره ای در توحید و خدا شناسی و صفات پروردگار است ، و مردم مسلمان را با خداوند متعال و صفات او آشنا کرده و در حقیقت علم خدا شناسی را مردم از علی آموختند .

تعدادی از خطبه ها در باره پیامبران و سفیران الهی القاء شده ، امیر المؤمنین علیه السلام در این خطبه ها از فدا کاری و مجاهدت انبیاء علیهم السلام سخن گفته و از زحمات رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفته گو کرده اند .

پاری از خطب در باره فضائل اخلاقی و آداب اجتماعی و فردی مسلمانان ایراد شده ، و در این گونه خطبه ها مردم را

---

(۱) شرح نهج البلاغة : ۱/ ۱۷ - ۲۰ .



بآداب شریعت و احکام و مقررات دینی آشنا کرده ، و راه سعادت و کامیابی را برای مردم باز می کنند .

دسته ای از خطب در باره جهاد با کفار و منافقان ایراد شده ، علی در این گونه خطبه ها که تعداد آنها فراوان است ، شیعیان خود را به جهاد با منافقان دعوت می کند ، و می فرماید : جهاد یکی از درهائی است که آدمیان را به خداوند می رساند .

از علی علیه السلام نامه و فرمان هائی نیز رسیده که برای حکام و والیان خود نوشته ، و در این فرمان ها بهترین دستور العمل ها را در امور دین و دنیا صادر فرمود که می تواند در همه زمانها و مکان ها سر مشق مسلمانان و جامعه بشریت باشد .

### مجمع اوری خطبه های علی علیه السلام

از زمان امیر المؤمنین علیه السلام گروهی خطابه های آن حضرت را می نوشتنند و بصورت کتاب درمیا وردند ، کسانی که این خطبه را جمع می کردند مقصود شان این بود که نسل های بعد نیز از سخنان آن حضرت استفاه کنند .

بطوریکه از کتب حدیث استفاده میشود حارث اعور همدانی که یکی از خواص علی علیه السلام است در پای منابر آن جناب می نشست و سخنان امام را می نوشت ، و سپس افراد





## اجازات و اسناد نهج البلاغه

دیگری نیز به او اقتداء کردند و به این عمل مقدس اقدام نمودند<sup>۱</sup> .

بعد از این سخنان علی بصورت مجموعه هائی در آمد و در دست همگان قرار گرفت ، و این مجموعه ها در کتاب خانه های بغداد تا اواسط قرن پنجم هجری وجود داشت .

نگارند در کتاب امیر المؤمنین و نهج البلاغه که اکنون در هندوستان در شرف طبع است در این باره به تفصیل بحث کرده و نام هفتاد نفر را که قبل از سید رضی جامع نهج البلاغه سخنان علی علیه السلام را گرد آورده اند نام برده است .

کتاب نهج البلاغه که کزبده ای از سخنان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است ، یکی از آثار گرانبهای اسلامی است که در طول قرن ها مورد استفاده اهل علم و ادب بوده است .

نهج البلاغه از زمان مؤلف بزرگوار آن که اکنون ده قرن از آن میگذرد ، مورد نظر خطباء و فصحاء از یک طرف و جهان داران و رجال سیاست از طرفی دیگر قرار گرفته است .  
گروهی از علمای اسلام نهج البلاغه را از نظر ادبی

---

(۱) اصول کافی کتاب توحید باب جوامع التوحید .



و بلاغت مورد بحث قرار داده دقائق و رقائيق لفظی و ترکیب  
جمالات و پیوستگی کلیات آن را شرح و بسط داده اند .

دسته ای نهج البلاغه را از لحاظ کلامی و عقائد اسلامی  
مورد توجه قرار داده و سخنان علی علیه السلام را که در توحید  
و صفحات باری تعالی و عدل و معاد و نبوت و امامت وارد شده  
تفسیر کرده اند .

جماعتی نیز از جهت تاریخ اسلامی و سیره نبی اکرم  
و اختلاف امت در امر امامت که در نهج بآن اشاره شده سخن  
گفته و کلیات آن جناب را شرح کرده اند .

عده ای کتاب نهج البلاغه را از جهت سیاست مدن  
و تنظیم امور کشوری و لشکری و فنون جنگی و اصلاح امور  
رعیت و رفع مظالم و بسط عدل مورد بحث قرار داده و سخنان  
آن حضرت را شرح کرده اند .

برخی نیز جنبه های معنوی و عرفان و خدا شناسی و زهد  
و عبادت و ورع و پرهیزکاری و تشویق جامعه بطرف حق  
و حقیقت و ترك هوی و خود پرستی و صفات پرهیزکاران که  
در این کتاب مبارك پیرامون آنها سخن گفته شده به تفصیل بحث  
نموده اند .



بطور کلی هر کس در خود فهم و استعداد خود از سخنان  
علی علیه السلام سود برده و به هر موضوعیکه مورد علاقه اش  
بوده روی آورده است و از این دریای خروشان و جوشان  
بهری های معنوی برده است .

موضوعیکه روی آن تحقیق نشده ، اجازات نهج البلاغة  
میباشد ، و اگر افرادی هم در این مورد چیزی نوشته اند جامع  
و کامل نیست ، و ما اکنون در این جا به تحقیق در این موضوع  
می پردازیم و این رساله را به این بحث اختصاص میدهیم .

## اجازات نهج البلاغة

کتاب نهج البلاغة را گروهی از محدثین از سید رضی  
رضوان الله علیه روایت می کنند ، و مؤلف بزرگوار متن آن را  
برای شاگردانش قرات می کرد ، ما اینک در این فصل چند  
طریق را که به شریف رضی منتهی میشود نقل می کنیم .

۱ - سیده نقیه دختر سید مرتضی علم الهدی ، قطب الدین  
راوندی در شرح خود به نهج البلاغة گوید : عبد الرحیم بغدادی  
معروف به ابن اخوة از سیده بنت علم الهدی روایت می کند که  
گفت : من نهج البلاغة را نزد عمویم رضی قرات کردم .



۲ - أبو منصور عکبری ، راوندی گوید : أبو نصر غازی از أبو منصور عکبری روایت کرد که او گفت : من نهج البلاغه را در نزد شریف رضی قرات کردم و اجازه روایت آن را گرفتم .

۳ - عبد الکريم بن محمد دیباجی معروف به سبط بشر حافی قطب الدین راوندی از طریق ابن اخوه بغدادی از أبو الفضل نافی روایت می کند که دیباجی گفت : من متن نهج البلاغه را از شریف رضی فرا گرفتم و او شخصا کتاب را بر من قرات کرد .

۴ - محمد بن علی حلوانی ، قطب الدین راوندی در کتاب خود از سید أبو الصمصام ذو الفقار بن محمد حسینی روایت می کند که او گفت : محمد بن علی حلوانی نهج البلاغه را از شریف رضی روایت کرده است .

۵ - محمد بن الحسن أبو جعفر طوسی رضوان الله علیه نیز نهج البلاغه را بدون واسطه از شریف رضی روایت می کند و قطب الدین راوندی در شرح خود از محمد بن علی بن محسن حلبی از شیخ طوسی و او از سید رضی روایت کرده است .



این پنج طریق که در بالا ذکر شد اکنون در منهاج  
البراعة فی شرح نهج البلاغه تألیف قطب الدین رواندی متوفی در  
۵۷۳ ذکر شده است و نیکار نده سه نسخه عکسی از این شرح  
را در دست دارد .

مطلبی که در اینجا باید گفته شود این است که شیخ طوسی  
در نزد سید رضی تلمذ نیکرده است ، بلکه وی شاگرد سید  
مرتضی علم الهدی برادر بزرگ مؤلف نهج البلاغه بوده است .  
تمام علماء رجال نوشته اند که سید رضی در سال ۴۰۶  
وفات کرد ، و شیخ طوسی در سال ۴۰۸ وارد بغداد شد ، در این  
صورت چه گونه می تواند راوی نهج البلاغه از سید رضی باشد ،  
و شاید در اصل سید مرتضی بوده و بعد تصحیف شده باشد .

در اینجا ممکن است گفته شود که اجازه نهج البلاغه  
توسط مؤلف آن به شیخ ابو جعفر طوسی از طریق مکاتبه انجام  
گرفته باشد و این عمل یعنی اجازه کتبی در آن زمان معمول بوده  
و شواهدی در این مورد در کتب حدیث هست .

دیگر اینکه امکان دارد شیخ طوسی در هنگام حیات  
سید رضی به عراق مسافرت کرده برای زیارت و یا منظور دیگری



و در این سفر اجازه روایت گرفته و باز به طوس مراجعت کرده است .

روایت شیخ طوسی بلا واسطه از سید رضی تنها در نسخه آستان قدس حضرت رضا علیه السلام است و این نسخه ظاهراً در قرن دهم تحریر شده ، و لیکن در نسخه مجلس شوری اسلامی که در سال ۶۵۱ نوشته شده و در نسخه کتابخانه ملک که در سال ۶۸۱ تحریر شده نامی از شیخ طوسی نیست و العلم عند الله .

۶ - محمد بن همام بغدادی از شاگردان سید رضی می باشد و متن نهج البلاغه را از استادش روایت می کند ، و محمد بن همام در اخبار علی علیه السلام اطلاعات زیادی داشت ، علی بن زید بیهقی در شرح خود نهج البلاغه را از او روایت می کند .

۷ - جعفر بن محمد درشتی یکی از فقهاء و محدثین عالی قدر است ، او متن نهج البلاغه را از سید رضی روایت می کند ، و أبو الحسن علی بن زید بیهقی در شرح خود بر نهج البلاغه از پدرش و او از جعفر بن محمد درشتی روایت کرده است .



علی بن زید گوید: من از پدرم أبو القاسم زید بن محمد بیهقی روایت می‌کنم و او از شیخ جعفر روایت می‌کند، و همه نهج البلاغه را نزد پدرم قرات کردم، و اجازه شیخ جعفر را بخط خودش نزد پدرم دیدم و خط شیخ جعفر خود بهترین گواه است.

سپس گوید: من متن نهج البلاغه را نزد امام زاهد حسن ابن یعقوب که خود پدرش دو ماه تابان در آسمان ادب هستند و در تقوی و فضیلت مشهور می‌باشند در سال ۵۱۶ قرات کردم و حسن بن یعقوب نیز در نزد شیخ جعفر قرات کرده بود<sup>۱</sup>. تمام طرق مشایخ حدیث و سلسله روایات از تشیع و تسنن به این هفت نفر منتهی می‌شود، و اینان راویان نهج البلاغه هستند، و حالات آنها در کتب رجال آمده است.

۸- محمد بن الحسن قطب الدین کیذری بیهقی در کتاب حدائق الحقائق نهج البلاغه را از أبو الرضا راوندی روایت می‌کند و اجازه قطب الدین در سال ۵۹۶ صادر شده هم اکنون در يك نسخه عکسی در نزد نگارنده هست که در سال ۶۵۱ تحریر شده است<sup>۲</sup>.



(۱) معارج نهج البلاغه نسخه استان قدس.

(۲) حدائق الحقائق نسخه عکسی.



## اجازات و اسناد نهج البلاغه

- ۹ - محمد بن علی بن احمد بن بندار که نهج البلاغه را در سال ۴۹۹ به ابو عبد الله حسين اجازه روايت داده است .
- ۱۰ - علی بن فضل الله حسینی در ماه رجب سال ۵۸۹ روايت نهج البلاغه را به علی بن محمد بن حسين داده است .
- ۱۱ - شيخ نجيب الدين يحيى بن احمد حلی در شعبان سال ۶۵۵ به سيد عز الدين حسن بن علی معروف به ابن ابرز اجازه داده است
- ۱۲ - علامه حلی رضوان الله عليه که خود شرح مختصری بر نهج البلاغه دارد در سال ۷۲۳ به بنی زهره اجازه داده است .
- ۱۳ - محمد بن حسن بن أبي الرضا علوی در سال ۷۳۰ به جمال الدين بن أبي المعالی اجازه روايت اين کتاب را داده است .
- ۱۴ - فخر الدين محمد بن علامه حلی در سال ۷۴۱ به ابن مظاهر اجازه روايت نهج البلاغه را داده است .
- ۱۵ - شهيد اول رضوان الله عليه در سال ۷۷۰ به شيخ ابن نجده اجازه روايت داده است .
- ۱۶ - علی ابن محمد بياضي مؤلف کتاب الصراط المستقيم در سال ۸۵۲ به ناصر بن ابراهيم حساوی اجازه داده است .



۱۷ - محقق کرکی شیخ علی در سال ۹۰۷ به مولی حسین استرآبادی اجازه روایت داده است و هم چنین در سال ۹۳۷ به شیخ ابراهیم اجازه داده است .

۱۸ - شهید ثانی در سال ۹۴۱ به شیخ حسین بن عبد الصمد عاملی اجازه روایت داده است .

۱۹ - اجازه شیخ حسن فرزند شهید .

۲۰ - احمد بن نعمة الله بن خاتون در سال ۹۸۸ به ملا

عبد الله شوشتری .

۲۱ - اجازه مجلسی اول در سال ۱۰۶۲ به مجلسی دوم .

۲۲ - اجازه شیخ صالح بن عبد الکریم در سال ۱۰۸۰ .

### بشارت به اهل علم و ادب

بمناسبت هزارمین سال تألیف نهج البلاغة تعدادی از شروح نهج البلاغة را که چاپ نشده و نسخه های آن نیز در دست همگان نبود، اکنون چاپ آنها در حیدرآباد آغاز شده است و بزودی در دست اهل تحقیق قرار خواهد گرفت .

۱ - منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة تألیف محدث

جلیل القدر قطب الدین راوندی بر اساس نسخه های مجلس

(۱) الغدير : ۱۹۳/۴ .



شورای اسلامی مورخ ۶۵۲ و نسخه کتاب خانه ملک مورخ ۶۸۱

نسخه کتاب خانه استان قدس که تاریخ تحریر ندارد .

۲ - حقائق الحقائق فی شرح نهج البلاغة تألیف محقق

جلیل قطب الدین کیبذری بیهقی بر اساس نسخه کتاب خانه

حضرت آیه الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی ، و نسخه

عکسی کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران مورخ ۶۴۵ و نسخه

کتاب خانه محقق بزگوار حضرت حجة الاسلام سید محمد علی

روضاتی اصفهانی مورخ ۱۰۴۹ چاپ می شود .

۳ - شرح نهج البلاغة که شارح آن معلوم نیست و نسخه

از آغاز و انجام ناقص است و شارح در ماه جمادی الأولى سال

۷۱۲ زندگی می کرده و از ملازمان خواجه رشید الدین فضل الله

وزیر معروف بوده و در چند مورد از وی در شرح مشکلات

نهج البلاغة سؤال می کند و تقریرات او را ذکر می نماید ، ظاهراً

این شرح از آثار علامه حلی رحمة الله علیه می باشد ، از این شرح

بیش از يك نسخه وجود ندارد عکسی از آن در دست نگانده

هست .

۴ - اعلام نهج البلاغة شرحی است مختصر بر نهج البلاغة

که شارح آن معلوم نیست ولیکن از امام احمد و بری خوارزمی



و چند شارح دیگر نقل می کنند و اشتباهها آن را به علی بن ناصر زیدی نسبت داده اند که در کتاب نامی از این شخص نیست، این کتاب بر اساس نسخه های رامپور و کلکته چاپ می شود.

۵ - متنی از کتاب نهج البلاغه بر اساس قدیم ترین نسخ موجود مقابله و تصحیح شده و پاره از لغات مشککه آن نیز در ذیل صفحات تفسیر گردیده، و با مقدمه ای مشروحه چاپ می شود.







بنیاد محقق طباطبائی